

مطالعه تطبیقی قصد و رضا در بیع در فقه اسلامی و حقوق ایران

دکتر یاشار طاهری

مدرس دانشگاه

چکیده

شکی نیست که اراده از مختصات انسان است؛ لیکن در چیستی آن، فلاسفه و متکلمین دیدگاه های متفاوتی دارند. شک لگیری اراده در انجام هر عملی به ویژه عمل حقوقی که مورد بحث ما در این نوشته است، طی مراحل صورت می پذیرد که عبارتند از: ۱- تصور وجود عمل ۲- سنجش میزان نفع و ضرر ۳- تصدیق لزوم انجام عمل (رضا) ۴- تصمیم ۵- اجرا. برای تحقق هر عمل حقوقی، قصد انشا ضروری است که در مقابل آن قصد اخبار قرار دارد. اراده در اعمال حقوقی در دو چهره ی ظاهری و باطنی نمود می یابد که در صورت تزامم، اراده ی باطنی مقدم خواهد بود. با لحاظ مراحل شکل گیری اراده و وجوه افتراق قصد و رضا درمی یابیم که قصد، عنصر سازنده ی عقد؛ و رضا، شرط اعتبار آن است. لذا عقد در حالت فقدان قصد، باطل؛ و در صورت فقدان رضا، غیرنافذ م یباشد. در این نوشته کوشش شده است در هر مبحث دیدگاه های فقها (امامیه و عامه) و حقوقدانان (داخلی و خارجی) بررسی و تبیین شود.

واژگان کلیدی: اراده، قصد، قصد انشا، رضا، اکراه



بخش اول: کلیات

اختیار کردن و احرای هر فعلی از سوی انسان، چه مادی و چه حقوقی، با اراده‌ی او صورت می‌پذیرد. در پشت هر فعل ارادی، قصد آن نهفته است و گفته می‌شود تا انسان نسبت به فعلی رضایت نیابد، انجام آن را قصد نمی‌کند. این جاست که بحث مراحل شکلگیری اراده به عنوان مبادی فعل انسان مورد توجه فلاسفه، فقها و حقوق دانان قرار می‌گیرد و اهمیت می‌یابد. قدر مسلم آنکه هر عمل حقوقی از قصدی تبعیت می‌کند (العقود تابعه للقصود)؛ اما در این که این عنصر (قصد) را لازم در فاعل عمل بدانیم یا شرط صحت آن عمل حقوقی برشماریم، اختلاف است. برای رسیدن به نظر صائب لازم است مفهوم، جایگاه و ویژگیهای قصد مورد بررسی قرار گیرد. و چون اعمال حقوقی در اجتماع نمود می‌یابند، اراده در آن‌ها نیازمند کاشف است؛ بنابراین اراده دو چهره‌ی باطنی و ظاهری خواهد داشت که گاه تراحم می‌یابند و در این که کدام مقدم است، اختلاف نظر وجود دارد. به علاوه با لحاظ دیدگاه‌های متفاوت در امکان یا عدم امکان تفکیک عنصر رضا از قصد، می‌بایست به تبیین مفهوم و جایگاه رضا و وجوه افتراق آن با قصد پرداخت. در آخر نیز لازم است وضعیت عمل حقوقی را در صورت فقدان یا عیب هر یک از قصد و رضا، به اختصار بیان کرد. نویسنده درصدد است که در طرح و تبیین هر یک از مباحث، نظر فقهای امامیه و عامه و دیدگاه حقوقدانان داخلی و خارجی را هر چند به طور اجمال، بررسی کند.

بند اول: مفهوم اراده

در گام نخست پس از تبیین مفهوم اراده، به بررسی متعلق اراده، مراحل شکل‌گیری آن، چهره‌های اراده و تراحم آنها و بالاخره ویژگی‌های اراده می‌پردازیم. اهل لغت، اراده را از دو ماده ((رود)) (لسان العرب/۳۶۵؛ الصحاح تاج اللغه؛ صحاح العربیه/۲/۸۷۴) و ((رید)) (النهایه فی غریب الحدیث /۲/۸۸۲) به معنای خواستن و قصد داشتن (لغتنامه/۵۰۶۱)، طلب و برگزیدن (پ: جوهری، همان) آورده‌اند. در فرهنگ قرآن واژه اراده به کار نرفته است اما مشتقات این ماده به دو معنای مبدأ فعل و منتهای آن است و در معنی دوم به



مفهوم حکم بوده و تنها اراده‌ی خداوند را شامل می‌شود. (مفردات الفاظ القرآن الکریم ۱۷۳/). مانند آیه‌ی شریفه ((إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا)) اراده در علم کلام، مقدمه‌ی قریب فعل انسان است. عل یرغم اتفاق نظر در وجود اراده در ماهیت آن اختلاف نظر وجود دارد:

اشاعره معتقدند که اراده صفتی تخصیصی است؛ بدین مفهوم که این صفت موجب تخصیص یکی از دو طرف فعل و ترک می‌شود. (المواقف ۲۸/ به نقل از سلیمانی، فاطمه، (بررسی اراده انسان از دیدگاه متکلمین و فلاسفه اسلامی) ۵۷/). گروهی از معتزله اراده را از جنس ادراک می‌شمارند؛ بدین ترتیب ((اراده)) به مفهوم اعتقاد به نفع و ((کراهت)) در مفهوم اعتقاد به ضرر خواهد بود. گروهی دیگر اراده را از سنخ ادراک ندانسته بلکه آن را میل حاصل از اعتقاد به نفع می‌دانند. (الاسفار الاربعه ۶/۳۳۷). یعقوب کندی از اراده به «قوه‌ی قصد بها الشیء دون الشیء» تعبیر می‌کند؛ او اختیار را اراده‌ای می‌داند که از تعقل مایه می‌گیرد و میان آن دو رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار می‌کند. (سائل ۱/۷۶۱ و ۱۶۸). فارابی اراده را در کتاب السیاسه المدنیه، مطلق میل و خواست؛ (السیاسه المدنیه ۲۷/) و در کتاب آراء اهل المدینه الفاضله عنصری درونی می‌داند که به میل و خواست انسان فعلیت می‌بخشد. (آراء اهل المدینه الفاضله ۵۲/). وی هم چنین قلمرو اختیار را ممکنات و قلمرو اراده را ناممکنات و ناممکنات می‌شناسد. (مسائل متفرقه ۱۸/). ابن سینا معتقد است که میان اراده و مقدمات آن رابطه‌ی ضروری علیت برقرار است. (الشفاء ۱۷۴ و ۴۸۲). فیلسوفان حکمت متعالیه، اراده در غیر خدا را از کیفیات نفسانی می‌دانند. (همان ۴/۳۱۱ و ۸/۲۳۴؛ شرح منظومه ۱۸۴/؛ نهایه الحکمه ۷۹۲/). خواجه نصیرالدین طوسی منشأ اراده در انسان را شوق و عقل می‌داند. (شرح الاشارات و التنبیها ۲۱/ - ۱۱۴). امام خمینی را اعتقاد بر آن است که اراده امری انفعالی نیست بلکه فعلی از افعال نفس می‌باشد (طلب و اراده ۱۱۰-۱۱۱/). در متون فقهی - چه امامیه و چه عامه - از اراده تعریفی جدای از تعریف قصد ارائه نگشته است (که خواهد آمد). در حقوق، علاوه بر قانون، اراده از مبانی



اعتبار قرارداد شمرده شده است و قانون منشأ حاکمیت و تحدید اراده می باشد. منشأ اراده، روان انسان است و مقصود از اراده در اصل حاکمیت اراده، اراده انشایی است. (مهدی شهیدی، حقوق مدنی ۵۵-۱/۶). در حقوق ایران اراده، حرکت نفس به طرف کاری معین پس از تصور و تصدیق منفعت آن است و اعم از قصد انشا است. (ترمینولوژی حقوق ۴۲/ ذیل واژه ی اراده). اراده در اصطلاح حقوق ایران به معنای خواستن است؛ اما در شرط روانی معامله یا ایقاع، بر اساس بند ۱ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، اراده به دو حالت جداگانه درونی رضا و قصد (قصد انشا) تفکیک شده است. اراده؛ گاه مجموع قصد و رضا و گاه منحصر به قصد انشا می باشد. (مهدی شهیدی، حقوق مدنی ۵۵/۱). در حقوق فرانسه، واژه ی 'volonte' به معنای اراده است لیکن نه به مفهوم مجموع قصد و رضا و یا صرف قصد انشا؛ بلکه در حقوق این کشور تفکیکی بین قصد و رضا صورت نگرفته است ولی از رضایت^۱ به عنوان وصف ایجادکننده ی عمل حقوقی یاد می شود. (همان ۵۷/).

بند دوم: متعلق اراده در حقوق

پدیده های مادی و عینی مخلوق انسان، اثر حرکات مادی خارجی است که به فرمان اراده یا به طور غیرارادی ایجاد می شوند و اراده انسان بدون وسیله ی مادی توانایی ایجاد آنها را در عالم مادی ندارد. در حالی که ماهیت های اعتباری منحصر با اراده ی انشایی ایجاد می شوند و نیازی به شرط مادی و عینی ندارند. اگر چه ابراز اراده به وسیله ی حرکت مادی است (لفظ، اشاره و...) اما این شرط هم اعتباری است نه مادی و عینی. بنابراین عمل حقوقی عبارت خواهد بود از ماهیت اعتباری که با اراد هی انسان به تنهایی و بدون تأثیر یا شرطیت واقعی وسیله و حرکت مادی در حدود مقررات، محقق می شود. باید دانست آن چه را که مستقیماً اراد هی طرفین معامله انشا می کند، ماهیت عقد است نه آثار آن. (همان ۱۸۹-۱۹۰/). بدین مفهوم که در هر نوع از عقود، چیزی که اراده به ایجاد آن تعلق می گیرد و موضوع قصد و رضا است، امر مخصوصی است. برای مثال در بیع، ملکیت عین؛ در اجاره، ملکیت منافع در نکاح، زوجیت. (سید حسن امامی، حقوق مدنی ۱/۰۸۱). مخلوقات اراده ی

¹ -consentement



انشایی، موجودات اعتباری (منشأ) هستند. فرق موجود اعتباری با موجود ذهنی: موجود ذهنی به محض انصراف ذهن از آن، نابود می شود؛ ولی موجود اعتباری این گونه نیست. مثلاً اگر بایع و مشتری پس از بیع به خواب روند در عالم خواب هم که ذهن کاملاً منصرف از بیع است، مالکیت مبیع برای مشتری و مالکیت ثمن برای بایع وجود دارد. (تأثیر اراده در حقوق مدنی / ۴۷ تا ۹۴). از سوی دیگر صرف وجود ذهنی مالکیت در اذه ان هر یک از بایع و مشتری بدون اراده ی انشایی، وجود اعتباری مالکیت را نمی سازد؛ پس وجود اعتباری چیزی ورای وجود ذهنی است. در ایقاعات نیز قصد انشا می تواند یا به تنهایی اثر حقوقی خود را به وجود نهایی موجود سازد یا به تنهایی یک اثر حقوقی موجود را معدوم کند. (همان / ۶۷). به طور کلی یک دسته اعمال هستند که ترتب آثار حقوقی بر آن ها مشروط بر این است که فاعل عمل، نتیجه و اثر آن را در حین ارتکاب آن بخواهد (قصد نتیجه). برای نمونه بایع حین ارتکاب عقد بیع باید قصد تملک مبیع را در مقابل ثمن بکند و طالب اثر حقوقی بیع باشد؛ مشتری نیز باید اثر بیع را بخواهد. این دسته اعمال در فقه اصطلاح خاصی ندارد ولی در حقوق کنونی، «عمل حقوقی» نامیده می شود. یک دسته اعمال هم آثار حقوقی بر آن مترتب می شود، چه فاعل عمل حین ارتکاب خواستار ترتب آن آثار باشد یا نباشد. حتی اگر خواستار عکس اثر حقوقی آن عمل هم باشد، این قصد بی اثر است؛ مانند اعمال موجب ضمان قهری. این اعمال نیز در فقه اصطلاح خاصی ندارد ولی در حقوق کنونی «واقع هی حقوقی» نامیده می شود. اگر چه باید گفت فقها به تفاوت این دو دسته اعمال اشاره کرده اند. به هر حال قصد انشا در واقعه ی حقوقی اثر ندارد. (همان / ۳۱ تا ۳۲). انشا در برابر اخبار است و می رساند که موضوع اراده باید ایجاد اثر حقوقی باشد نه اخبار از آن یا بیان تمنا و شوق درونی.

بند سوم: مراحل شکل گیری اراده

در نظر فلاسفه، ملاصدرا مراحل شکل گیری اراده (مبادی یا مقدمات فعل ارادی) را از این قرار بر می شمارد:



تصور فعل (در تخیل)، تصدیق به فایده آن (جلب منفعت یا دفع ضرر)، شوق به انجام فعل، اراده یا شوق مؤکد و غالب (میان قوای سه گانه ی غضبیه، شهویه و عاقله)، نیروی حرکتی بدن. (الاسفار الاربعه ۴/۱۱۴). برخی مانند سبزواری اراده را همان شوق مؤکد می دانند که بعد از تصدیق به فایده می آید. (شرح اللآلی المنتظمه؛ حکمت الهی/۷۰۳). اما علامه طباطبایی و امام خمینی با این نظر مخالفند و اراده را حالتی درونی غیر از شوق مؤکد می دانند که بعد از آن ایجاد می شود. (البیع/۵۵؛ نهایه الحکمه/۷۹۲). از این رو امام خمینی مبادی فعل ارادی را به این ترتیب بیان می دارد: تصور، تصدیق به فایده، اختیار، تحریک اعضا. سپس توضیح می دهد که علما به جای مرتبه اختیار، شوق مؤکد آورد هاند که موجه نیست و مخالف وجدان و برهان است؛ لیکن گاه انسان با آن که بر حسب مشتهیات نفسانی نسبت به کاری اشتیاق دارد؛ اما آن را اختیار نم یکنند زیرا عقل آن را اصلاح نمی داند؛ یا گاه با آن که اشتیاق وجود ندارد، عقلکار را برم یگزینند مانند نوشیدن دارو. پس اراده و شوق از دو مقوله هستند و شوق نه تنها عیناراده نیست بلکه همیشه از مبادی آن محسوب نم یشود؛ هر چند غالباً ای نگونه است. تصدیق به فایده نیز مقدمه واجب اراده نیست و چه بسا انسان بدون تصدیق به فایده چیزی را اراده می کند. بدین ترتیب اراده عبارت است از تصور، اختیار و انجام (طلب و اراده/۳۹-۴۰؛ البیع/۵۵). در نظر حقوق دانان: شهیدی همراه با مثالی به تحلیل مراحل اصلی فعالیت روانی می پردازند: شخصی که بخواهد خودرو خود را بفروشد از زمانی که به این فکر می افتد تا زمان تشکیل عقد بیع، چه فعالیت هایی در روان او انجام می شود:

۱- مرحله خطور و تصور: ابتدا تصویر خودرو و فروش آن در ذهن نقش می بندد و مورد ادراک قرار می گیرد. این مرحله، ارادی نیست و به طور قهری انجام می گیرد. یعنی اراده و اختیار در تحقق این مرحله نقشی ندارد؛ به دو دلیل: اول آنکه با مراجعه به وجدان می توان به قهری بودن خطور پی برد. علاوه بر این در صورت ارادی بودن این مرحله، تسلسل پیش م یآید.



۲- مرحله سنجش: پس از آن عکاس تصویر فروش اتومبیل در ذهن در این مرحله، شخص آن را بررسی می کند و آثار آن را از نظر سود و زیان می سنجد .

۳- مرحله رضا و تصمیم: اگر فروش خودرو را به سود خود و مطابق خواسته ی خود یافت، بدان شوق پیدا می کند. این شوق همان رضا است که با پیدایش تصمیم ملازمه دارد و در معنای وسیع کلمه می توان از رضا به تصمیم نیز تعبیر کرد .

تا این مرحله، هنوز از قصد انشای معامله نشانی نیست و بر خلاف آن چه گاه تصور می شود، تصمیم مذکور غیر از قصد انشاست؛ چون این تصمیم خالق و سازنده ی عقد نیست و صرفاً آمادگی روانی برای ایجاد عقد در آینده می باشد .

۴- مرحله اجرای تصمیم: فروشنده ی خودرو برای اجرای تصمیم خود به تهیه مقدمات فروش خودرو هم چون مراجعه به بنگاه معاملات، تعیین قیمت و ... می پردازد و طرفین به دفتر اسناد رسمی مراجعه می کنند و با تسلیم مدارک مربوطه تقاضای ثبت معامله را می کنند. با امضای مندرجات دفتر رسمی است که طرفین تصمیم خود را نسبت به ایجاد عقد بیع اجرا می کنند. قصد طرفین هنگام امضای دفتر همان قصد انشاست که سازنده ی عقد می باشد و در این مثال با قرارداد امضا ذیل مندرجات دفتر، ابراز می شود. (مهدی شهیدی، حقوق مدنی / ۲۱ تا ۱۳۱).

بند چهارم: تزاحم چهره های اراده

آیا اساس عقد را اراده ظاهری تشکیل می دهد یا اراده ی باطنی؟ فایده بحث در تغایر اراده باطنی با آنچه اعلام می شود، آشکار می شود. در فقه امامیه با توجه به حاکمیت قاعده ی فقهی (العقود تابعه للقصد) (حقوق قراردادها در فقه امامیه / ۲۱۰-۲۱۱/۱؛ علی محمد مدرس، قاعده ی العقود تابعه للقصد - ۵/ «۰۷») و اعتبار نیت در فقه اسلامی و هم چنین برخی از فروع فقهی در باب اقرار، نظریه اراده ی باطنی در فقه قوی تر به نظر می رسد؛ با این حال بعضی از نویسندگان با تذکر ای ن نکته که بحث از اراده ی ظاهری و باطنی مربوط



به عالم اثبات است و نه عالم ثبوت، نظری هی اراده‌ی ظاهری را ترجیح داده‌اند. در فقه عامه، حنا بله معتقدند اگر فقط اراده‌ی ظاهری باشد؛ چون در باطن بیع را نمی‌خواست هاند، باطل است؛ و این بیع را ((تلجئه)) و ((الامان)) گویند. حنفیه نیز عقد التلجئه را - که در باطن خلاف ظاهر را اراده می‌کنند - فاسد می‌دانند. در شرح ماده‌ی سوم (المجله) نیز آمده است:

((العبره فی العقود للمقاصد و المعانی لا للالفاظ و المبانی و لذا یجری حکم الرهن فی البیع الوفا)) در عقود، قصد و معنا معتبر است نه الفاظ و مبانی از این جاست که در بیع شرط، حکمرهن را جاری می‌کنند. (سلیم رستم باز اللبانی، شرح المجله ۱۷/ت-۹۱۱). شافعی نیز اراده‌ی ظاهری را ترجیح داده است. (الأم ۲/۷۴). حقوقدانان در این رابطه به یکی از این دو مکتب پیوسته‌اند. (کاتوزیان، حقوق مدنی ۲۶۰):

۱- مکتب اصالت فرد: پیروان این مکتب، ملاک را اراده باطنی می‌دانند.^۱

۲- مکتب اصالت جمع: آنها که اصالت را به جمع می‌دهند، معیار را اراده‌ی ظاهری قرار می‌دهند.^۲

قانون مدنی ایران در مواد ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۴۶۳ و ۸۲۱۱ عقد را تابع اراده واقعی طرفین می‌داند. اما از لزوم حفظ معاملات نیز غافل نبوده و در موادی هم چون ۴۲۲، الفاظ عقود را محمول بر معانی عرفیه می‌داند؛ بنابراین اگر احد طرفین ادعا کند که الفاظ عقد مب [این اراده‌ی واقعی او نیست، باید ثابت کند که در معانی عرفیه هم استعمال نشده است. هم چنین بر اساس ماده‌ی ۱۳۰۹ همین قانون، اگر اراده‌ی ظاهری در سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده است، بیان شده باشد، خلاف آن را با شهادت و امارات نمی‌توان اثبات کرد (ماده ۴۲۳۱ قانون مدنی). (همان). بر همین اساس، کاتوزیان بیان می‌دارد که در صورت

^۱ 'Theorie de la volonte' interne' نظریه اراده باطنی -

^۲ 'Systeme de la declaration de la volonte' نظریه اراده ظاهری -



تفاوت اراده ی واقعی با آنچه اعلام شده است، اراده ی واقعی حاکم می باشد؛ مگر قانون حکم دیگری داشته باشد (قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی ۹/ - ۱۸۹۱). شهیدی نیز اراده ی انشایی را به تنهایی و بدون تأثیر و شرطیت ابراز آن، خالق ماهیت های حقوقی می داند . (حقوق مدنی، تشکیل قراردادها و تعهدات ۲۰۱/). از آن جهت که حقو قدانان فرانسه، اصالت را به فرد می دهند، سازنده ی عقد را اراده ی باطنی می دانند . (همان ۲۹۱/). ماده ی ۶۵۱۱ قانون مدنی فرانسه در تفسیر قراردادها، جست و جوی قصد مشترک و یافتن اراده باطنی را اصل قرار می دهد . (قواعد عمومی قراردادها ۳/۱۲).

بند پنجم: ویژگی های اراده

اراده، قائم به نفس است؛ معلول تصور و تصدیق است؛ کیفیتی نفسانی است؛ دارای وجود ذهنی می باشد؛ از آنجا که قائم به نفس اراده کننده است، دارای وجود خارجی می باشد؛ امری بسیط است : اراده عارض بر نفس است و نفس قابل تجزیه نیست؛ لذا قصد هم تجزیه ناپذیر است. (تأثیر اراده در حقوق مدنی ۴۵/). در این جاست که بسیاری از حقوق دانان معتقدند که چون اراده بسیط و تجزیه ناپذیر است، تفکیک آن به دو عنصر قصد و رضا ممکن نیست . لیکن قانون مدنی ایران به پیروی از فقه امامیه، قصد و رضا را دو عنصر مستقل دانسته است. (کاتوزیان، حقوق مدنی ۲۵۹/).

بخش دوم: قصد و رضا

۱- در این گام، بعد از بیان کلیات، به بررسی قصد و رضا، وجوه افتراق و آثار فقدان هر یک م پیردازیم.

برای بسته شدن هر قرارداد سه مقدمه لازم است:

۱- وجود قصد و رضا (اراده) ۲- اعلام و بیان اراده ۳- توافق اراده طرفین .

(کاتوزیان، حقوق مدنی ۲۵۸/).

این مطلب، در سه حوزه فقه، حقوق ایران و حقوق خارجی بررسی می شود .



بند اول: در فقه

فقها شرایط صحت معامله را در دو دسته کلی شرایط متعاقدين (قصد و رضا در زمره این دسته می باشد) و شرایط عوضین بیان کرده اند. (جامع المقاصد /۴/۶۱ و ۸۹؛ جواهرالکلام/۲۶۰/۲۲ و ۳۴۵؛ مصباح الفقاهه/۳/۸۱۴).

برخی از فقها قصد و اختیار (رضا) را از شرایط متعاقدين می دانند ولی در این خصوص تعریفی ارائه نکرده اند و تنها اثر فقدان هر یک را بیان کرده اند. (مصباح الفقاهه /۴۱۸/۳ و ۴۲۳؛ انوارالفقاهه، کتاب البیع/۱/۹۴۲؛ جامع المقاصد /۴/۶۱). گروهی دیگر نیز قصد و رضا را تحت عنوان کلی اختیار می آورند و از شرایط متعاقدين می دانند. (امسال کالافهام/۳/۱۵۴؛ مکاسب/۳۰۷/۳؛ شرای عالاسلام/۲/۲۶۷؛ جواهرالکلام/۲۲/۲۶۰؛ الحدائق الناضره /۱۸/۳۷۳). در قانون مدنی ایران، قصد و رضای طرفین معامله به عنوان یکی از شرایط اساسی معاملات در بند ۱ ماده ۱۹۰ محسوب شده است و احکام و مقررات آن به تفصیل در مواد ۱۹۱ به بعد همین قانون آورده شده است. از آنجا که قصد و رضا با هم در یک بند ذکر شده اند، القای ابتدایی ذهن، یکی بودن ماهیت قصد و رضا را می رساند و یا ای نکه دو جزء از یک شرط باشند؛ اما با تحلیل مراحل فعالیت دماغی شخص تا انجام معامله و تشخیص مرحله ی پیدایش هر یک از قصد و رضا و با توجه به نقش متفاوت این دو در عقد و تفاوت وضعیت عقد در صورت فقدان هر کدام از قصد و رضا، به علاوه هی احکام و مقررات مربوط در مواد ۱۹۱ به بعد قانون مدنی، م بینیم که این قانون به پیروی از فقه امامیه نظری هی تفکیک میان قصد و رضا را پذیرفته است. نتیجه آن که قصد و رضا دو ماهیت متفاوتند و هر یک در حقیقت تشکیل دهنده ی یک عنصر از عناصر لازم برای اعتبار عقد می باشند. (حقوق قراردادها در فقه امامیه-۲۳۸/۱/۹؛ شهیدی، حقوق مدنی /۱/۱۲۶).

ب هنظر می رسد علت درج دو عنصر قصد و رضا در یک بند، تطبیق بی جهت ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران و سایر مقررات مربوط با ماده ی ۸۰۱۱ قانون مدنی فرانسه و مواد مربوط دیگر این قانون از جهت تعداد شرایط اساسی معاملات است. (شهیدی، همان).



لنگرودی معتقد است به جای شرایط اساسی صحت، «عناصر عمومی عقود» عنوان شود؛ چون ب رای مثال در عقود عینی، قبض نیز شرط صحت می باشد. (مجموعه ی محشی قانون مدنی ۱۶۲-۳/).

بند دوم: در حقوق خارجی

در حقوق انگلیسی: در برخی از نوشته ها، قصد و رضا دو عنصر جدا در اعتبار قرارداد ذکر شده اند:

- S قصد ایجاد روابط حقوقی Intention to create legal relation

- رضایت باید واقعی باشد Consent must be genuine این در حالی است که در نوشته های دیگر^۲، تنها قصد را (بدون ذکر از رضا) ب عنوان عنصر یک قرارداد ساده ذکر کرده اند:

قصد این که قانوناً ملتزم باشند . Intention to be legally bound در حقوق فرانسه : بیان شد که در حقوق فرانسه، تفکیکی میان قصد و رضا صورت نگرفته است و با این که وجود قصد نقش اصلی را در تشکیل عقد و به طور عام در تحقق هر عمل حقوقی ایفا می کند، نامی از آن به صورت عنصر جدای از رضا دیده نمی شود و در جایگاه شروط روانی، فقط از رضایت (consentement) نام برده شده است .

در نوشت ههای حقوقی گاه از «تراضی» یا «کلمه ی» اراده ('La Volonte') یاد شده است؛ آن هم بدون توجه به تمایز قصد انشا از رضا. (شهیدی، حقوق مدنی ۱۲۸/۱).

بند سوم: ماهیت و مبنای قصد

همگی فقها قصد متعاقدين را بر تحقق مدل ول عقد، امری مسلم می دانند لیکن خطای برخی این است که قصد را از شرایط متعاقدين (کتاب المکاسب؛ الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره/ ۱۸/۳۲۷؛ جامع المقاصد/ ۱۶/۴) گرفته اند؛ در حال یکه از مق [تومات عقد است؛ به گونه ای که مفهوم عقد بدون قصد محقق نمی ش ود. (مصباح الفقاهه



۴۱۸/۳ و ۴۲۳؛ البیع/۲/۳۷ و ۸۳). برای مثال بیع عبارت از انشای ساده نیست؛ چه انشا را به معنی ایجاد بگیریم و چه به معنای اظهار امر نفسانی به وسیله ابراز. علاوه بر این بیع عبارت از صرف اعتبار نفسانی بدون اظهار در خارج نیست؛ بلکه حقیقت بیع عبارت است از: اعتبار نفسانی که در خارج ب هوسیل های ابراز می شود خواه عرف و شرع آن را امضا کنند یا نه. در سایر امور انشایی نیز چنین است. لذا عقد و ایقاع با قصد - که فعلی نفسانی است که به وسیله های ابراز شده است - ایجاد میشوند و اگر یکی از این دو عنصر نباشد، محقق نمی شود. (مصباح الفقاهه - ۴۱۸/۳/۹). آیت الله مکارم شیرازی معتقد است که اعتبار قصد چه در شرایط متعاقدين و چه در قوام مفهوم عقد، هر دو صحیح است و مراد از قصد، قصد جدی بر انشای مفهوم عقد است. در زمینه فقه عامه، در شرح ماده دو المجله میخوانیم: ((الامور بمقاصدها یعنی أنّ الحكم الذی یترتّب علی امر یکون علی مقتضی ما هو المقصود من ذلك الامر)). از این ماده قاعده ی (الاعمال بالنیات) و اشتراط قصد در کلام کسب می شود. (سلیم رستمباز اللبانی، همان). حنفیه معتقدند اختیار همان قصد شیء و اراده آن است. (کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، قسم المعاملات ۲/۱۳۶). از مجموع آنچه بیان شد روشن است که باید در عرصه ی حقوق داخلی، بین قصد انشا در اعمال حقوقی و قصدی که مقنن آن را موضوع یک اثر حقوقی قرار می دهد بدون آنکه صفت خلاقیت داشته باشد مانند قصد جرم، تفکیک کرد. (تأثیر اراده در حقوق مدنی/۳ و ۴). قصد انشا، نقطه ی اوج رضای نفسانی در عقود یا ایقاعات است و قصد نتیجه ی عمل حقوقی در حال تجلی خود، قصد انشاست. قصد اگر تجلی خارجی نیابد، اغراض و دواعی است و گاه نیز به آن «قصد شخصی» گویند. اما وقتی تجلی یافت، قصد انشا می شود (قصد نوعی عاقد) (مجموعه محشّی قانون مدنی ۱۶۳). برخی قصد را در دو معنای عام و خاص تعریف کرد هاند:

۱- معنی عام: مصم^[۱] شدن به انجام یک عمل حقوقی از قبیل اقرار، بیع و... خواه تصمیم گیرنده رضایت به اقدام خود داشته باشد، خواه رضایت نداشته باشد.



۲- معنی خاص: قصدی که نیروی خلاق دارد و می‌تواند یک یا چند اثر حقوقی را در ظرف اعتبار ایجاد کند و در هر عقد یا ایقاعی باید وجود داشته باشد. (به خلاف قصد اخبار) (ترمینولوژی حقوق/۶۴۵: ذیل واژه قصد انشا).

از نظر ایشان قصد مدلول عقد (قصد انشا)، رکن عقد محسوب می‌شود لیکن وقتی در جهت مخالف مصالح عمومی قرار می‌گیرد، فاقد نیروی خلاقه می‌شود. (تأثیر اراده در حقوق مدنی/۷). اما چنانچه بعضی دیگر گفته‌اند، قصد، عنصر سازنده‌ی عقد می‌باشد و بر اساس حاکمیت اراده در اعمال حقوقی، نقشی ممتاز در تحقق عقد دارد؛ قانون هرگز موجد و سازنده عقد یا ایقاع نیست. آنچه در حوزه دخالت قانون قرار دارد، تعیین الگوهای عقود و ایقاعات و مشخص کردن آثار و احکام هر یک از آن‌هاست. این الگوها همان ماهیت‌های حقوقی است که با اراده‌ی انسان محقق می‌شوند.

اراده و قصد بدون نیاز واقعی به تأثیر ابزار و حرکات مادی، سازنده‌ی عمل حقوقی است؛ چرا که عمل حقوقی امری اعتباری است نه موجود مادی تا برای ساخته شدن نیاز به علل و اسباب مادی داشته باشد. (شهیدی، حقوق مدنی ۱۳۲-۳/).

در حقوق فرانسه نیز دیدیم که در بین شرایط اساسی معامله نامی از قصد انشا برده نشده است و به جای آن از رضایت (consentement) تعبیر شده است.

در برخی نوشته‌های حقوقی جدید از «رضایت» به‌واژه‌ی (intention) به معنای قصد و نیت که در حقیقت با رضا متفاوت است، تعبیر شده است. (همان ۱۸۹/).

در انگلستان، قصد، تا قرن بیستم به عنوان عنصری لازم هم چون ایجاب شناخته نمی‌شد. در قضیه‌ی بالفور علیه بالفور در سال ۱۹۱۹ میلادی که بر اساس آن آقای بالفور به همسر خود قول غیررسمی مبنی بر پرداخت نفقه ۳۰ پوندی تا زمان بازگشت زن از انگلستان



داده بود؛ دادگاه با این استدلال که شوهر قصد ایجاد رابطه‌ی حقوقی نداشته است، ادعای زن را محکوم به رد دانست.^۱

میرزای نایینی، صدق عنوان قصد را در مجموع شرایط ذیل می‌داند:

۱- قصد لفظ

۲- قصد معنا

هر دوی این‌ها در اصل صدق عقد معتبرند؛ فلذا عقد هازل و نائم، عقد نیست چون قصد ایجاد ندارد .

۳- قصد وقوع عقد که از طیب خاطر باشد: مقابل وقوع عقد از روی اکراه م‌یباشد .

۴- قصد وقوع مضمون از سوی عاقد: مقابل وقوع آن از غیر عاقد است (عقد فضولی).

اعتبار دو قصد اخیر امری تعبدی است نه به خاطر مفهوم عقدیت؛ بنابراین عقد مکره و فضول از حیث عقد بودن از عقد غیر آن دو چیزی کم ندارد . فلذا این که در مسالک آمده است که این دو (مکره و فضول) قصد لفظ بدون معنی دارند، صحیح نیست چرا که این دو قصد معنا را هم دارند. منیه الطالب (۳۸۲-۱/۳).

بعضی دیگر برای قصد در مقام ثبوت، شرایط ذیل را لازم می‌شمارند:

۱- قصد لفظ؛

۲- قصد معنای انشایی: گاهی شخص قصد لفظ را دارد ولی قصد معنای انشایی را ندارد بلکه تنها قصد اخبار دارد.

۳- قصد جدی: گاه شخص قصد انشا را دارد لیکن جدی نیست مانند هازل. (مکارم شیرازی، همان ۱/۲۴۹).

¹ -John N Adams and Roger Brownward, Understanding Contract Law/93.



ایرادی که به این سخن وارد است آن است که هازل اصلاً قصد ندارد چه برسد به آنکه قصد او انشایی باشد .

از میان مباحثی که حقوق دانان در این زمینه ارائه کرده اند (سیدحسن امامی، حقوق مدنی ۱/۱۸۱۱-۰۸۱)، بیان لنگرودی کامل تر به نظر می رسد. ایشان در تأثیر اراده در حقوق مدنی شروط قصد انشا را از این قرار می داند:

۲- قدرت ایجاد: قاصد مالک آنچه قصد انجام عمل حقوقی بر آن دارد، باشد .

۳- قصد انشا مقرون به کاشف باشد: الفاظ، افعال، کتابت، اشاره، سکوت .

۴- تمیز

۵- عدم اجبار

۶- فقدان برخی اشتباهات. (تأثیر اراده در حقوق مدنی ۹۸-۱۰۱/).

عقد بدون قصد محقق نمی شود چون قصد امری باطنی است . برای اثبات، محتاج کاشف لفظی یا عملی است. چنانکه کاشف، بدون قصد هم در مرحله ثبوت تأثیری ندارد .

مباحث اثباتی قصد در چند حالت بررسی می شود:

۱- اگر طرفین عقد منکر قصد هستند : درباره هر دو نافذ است ولی نسبت به مثلاً شفیع، دعوی محسوب می شود و باید رسیدگی شود .

۲- اقرار طرفین به وقوع عقد به قصد : درباره ی طرفین نافذ است ولی نسبت به اخلال به حق غیر نیازمند رسیدگی است .

۳- لفظ، دالّ بر عقد باشد : دعوای عدم قصد مدلول لفظ از سوی شخص رشید عاقل مختار مسموع نیست؛ مگر با اقامه دلیل قطعی .



۴- لفظ و قرینه مثبت قصد طرفین موجود نباشد: اصل موضوعی استصحاب بقای ملک، جاری می‌شود؛ فلذا اثبات داشتن قصد، به عهده ی ذینفع است. (شرح قانون مدنی ۱۵۰-۱/۱۵۱).

بند چهارم: مفهوم و جایگاه رضا

گروهی از فقهای امامیه قصد و رضا را تحت عنوان کلی «اختیار» می‌آورند و آن را از شرایط متعاقدين می‌شمارند و منظور از آن را «قصد به وقوع مضمون عقد از روی طیب نفس درخ ارج» م‌یدانند که مقابل کراهت و عدم رضا است نه مقابل جبر و الجاء. اگر مقابل جبر باشد، عقد مکره به دلیل خالی بودن از قصد، موضوعاً خارج از مفهوم عقد است. (شیخ انصاری، همان؛ خوبی، همان). و مراد از قصد مفقود در مکره، قصد وقوع اثر عقد و مضمون آن در عالم واقع و عدم طیب نفس است نه عدم اراده ی معنی از کلام خود. (۱، همان) . گروهی دیگر مقصود از اختیار را «رضا» می‌دانند. (مصباح الفقاهه ۳/۴۱۸ و ۴۲۳؛ مکارم شیرازی، همان ۱/۲۴۹؛ محقق ثانی، همان ۱۶/۴). که به معنی «قصد به وقوع مضمون عقد از روی طیب نفس» است. برخی تا حدی پیش رفته اند که افعال اضطراری، اجباری و اکراهی را «اختیاری» می‌دانند زیرا عقل برای دفع افسد به فاسد، انجام آن‌ها را بر خلاف میل انسان «انتخاب» می‌کند و از همین جهت است که ایشان شوق مؤکد را از عناصر اراده ندانستند. با این تحلیل صرف اختیار و قصد از نظر عقلی سازنده ی عقد است اما بنای عقلا و اجماع و ادله ی نفوذ عقد، وجود اکراه را «مانع» نفوذ می‌داند (نه آنکه عدم آن شرط صحت عقد باشد). (البیع ۵۵-۲/۷). محقق حلی نیز اختیار را شرط لزوم عقد می‌داند نه شرط صحت آن. (شرايع الاسلام ۱/۱۴۵).

در حقوق ایران، رضا در لغت به معنای م وافقت و اختیار است و در اصطلاح، میلقلبی به طرف یک عمل حقوقی که سابقاً انجام شده یا اکنون انجام می‌گیرد یا در آینده واقع خواهد شد. رضا به هر سه زمان گذشته، حال و آینده تعلق می‌گیرد. (ترمینولوژی حقوق ۳۳۵/ذیل واژه ی «رضا»). «رضا یکی از حالات اثرپذیری ذهن است و بر خلاف قصد انش



ا، جنبه‌ی خلاقیت ندارد؛ بدین جهت رضا به تحقق امری را نمی‌توان موجد آن امر دانست؛ اگر چه زمینه را برای حرکت اراده در جهت محقق ساختن آن امر فراهم می‌سازد. لذا بر خلاف آنچه در قوانین مدنی برخی کشورها نظیر فرانسه وجود دارد، رضا به تشکیل عقد، نمی‌تواند سازنده‌ی عقد باشد، هر چند وجود آن برای نفوذ عقد لازم است. (شهیدی، حقوق مدنی ۱۳۲-۱/۴). منظور از رضا در معنای مطلق و به عنوان شرط اعتبار عقد، میلی است که در حالت عادی و بدون ورود فشار خارجی در شخص طرف معامله برای تشکیل عقد پیدا می‌شود که می‌توان آن را «رضای آزاد» نامید. در عین حال میل حاصل از دخالت فشار خارجی را نیز می‌توان نوعی رضا دانست که با لحاظ فشار خارجی در مرحله‌ی سنجش حاصل می‌شود. بدین جهت طبق ظاهر ماده ۱۹۹ قانون مدنی میل ناشی از فشار، «رضای» حاصل از اکراه نامیده شده است. (همان ۱۷۳). ادله حجیت رضا در فقه امامیه (المکاسب؛ انوارالفقاهه ۱/۲۵۳ تا ۵۵۲) از این قرار عنوان شده است:

۱- ادله نقلی

الف - آیه شریفه: ((... أَلَا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ))

ب - روایات: ((لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مَسْلُومٍ أَلَّا عَنْ طَيْبِ نَفْسِهِ «پیامبر(ص) در حدیث رفع: ما اکرهوا (استکرها) علیه پیامبر(ص)؛ «لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ»))

۲- اجماع

۳- بنای عقلا

بند پنجم: وجوه افتراق قصد و رضا

- ۱- تفاوت در ماهیت: همگی فقها معتقدند که قصد و رضا دو موجود نفسانی جدا هستند؛ مگر محقق اردبیلی در شرح ارشاد. (تأثیر اراده در حقوق مدنی ۴۴/).
- ۲- قصد، قدرت خلّاقه دارد و سبب ایجاد اثر حقوقی می‌شود؛ عنصر سازنده‌ی عقد است و منحصرأً مربوط به امور اساسی عقد است؛ قصد از امور انشایی است. در حالیکه رضا قدرت



خلاقه ندارد و صرفاً شرط اعتبار و نفوذ عقد است؛ آن چه اهمیت دارد این است که برای جریان آثار عقد، لازم است طرفین به تشکیل آن راضی باشند .

۳- رضا می تواند به گذشته، حال و آینده تعلق گیرد؛ به این معنا که میل قلب است به طرف یک عمل حقوقی که سابقاً انجام شده است یا اکنون انجام می شود و یا بعد واقع خواهد شد. اما قصد انشا تنها به زمان حال تعلق دارد چون انشا یعنی ایجاد و نمی توان چیزی را پیش از ایجاد، به وجود آورد. و از آن جا که قصد انشا در زمان حال اثر دارد، موجود ناشی از آن نیز در زمان حال شکل می گیرد. (تأثیر اراده در حقوق مدنی/ ۴۴ و ۹۴ و ۹۵ و ۵۰۱) .

بند ششم: آثار فقدان قصد و رضا

همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد، فقها غالباً تعریفی از قصد و رضا ارائه نکرده اند و تنها به آثار فقدان هر یک پرداخته اند که در مبحث عیوب قصد و آثار آن و عیوب رضا و آثار آن، به طور مجزاً بدان می پردازیم .

گاه ممکن است قصد و رضا وجود نداشته باشد مانند مکره مسلوب الاراده و گاه ممکن است یکی از این دو موجود باشد در این صورت یا ممکن است رضا بدون قصد انشا باشد و یا بالعکس قصد انشا بدون رضا واقع شود .

برای رضایت طرفین هنگام عقد چند حالت متصور است:

۱- با قصد انشا همراه است:

الف - با قصد انشا همراه است و بدون عامل خارجی است؛ در این صورت عمل حقوقی نافذ است .

ب - با قصد انشا همراه است ولی رضا در اثر اکراه یا اجبار است (عامل بیرونی)؛ در این صورت عمل حقوقی غیر نافذ است .

ج - با قصد انشا همراه است ولی رضایت حاصل از اضطرار است؛ عمل حقوقی نافذ است.



۲- بدون قصد انشا:

الف - مقرون به کاشف است یعنی رضا اعلام شده است؛ که در زمره ی خبر است .
برای مثال عابری به همراه خود می گوید: اگر فرش فروش این فرش را به یکمیلیون ریال بفروشد، حتماً می خرم؛ فروشنده که سخن او را می شنود، می گوید: فروختم. لیکن معامله منعقد نمی شود چون قصد انشا نبوده است و صرفاً اخبار از وجود میل و رضای خود بوده است .

ب - رضای بدون کاشف: رضای باطنی

بند هفتم: عیوب قصد و آثار آن

در فقه امامیه، معامله غافل، نائم، هازل، ساهی، بی هوش، مست، صبی و مجنون به دلیل فقدان قصد، باطل است . (شهید ثانی، همان /۱۵۴-۳/۷؛ الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره /۳۶۴-۱۸/۵؛ تحریرالوسیله /۱۷۳/۲-۱۷۳-۰۷۳). ضمن این که محقق حلی در شرایع معامله ی مجبور را به دلیل اعتماد بر سخنش باطل نم ی‌داند. (شرایع الاسلام /۱/۱۴۵) در میان عامه، حنابله بیع هازل را بدین دلیل که حقیقت بیع را نمی خواهد و در معنا مختار نیست، باطل می دانند. حنفیه نیز معتقدند هازل اگر چه صیغه عقد را با اختیار خود می گوید؛ ولی راضی به ثبوت حکم نیست؛ هازل در حقیقت مکره است و مکره قصد دارد و رضا را فاقد است. (کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، قسم المعاملات ۱۳۵-۱۳۶/۲).

طبق ماده ی ۵۹۱ قانون مدنی ایران، نتی جه ی فقدان یا معیوب بودن قصد، عدم تشکیل عقد (بطلان عقد) است. (شهیدی، حقوق مدنی /۱۳۱ و ۱۳۲/۰۲۲) .

لنگرودی: عقد مست و بی هوش به دلیل فقدان قصد نتیجه باطل است . ضمن این که عقد مکره نیز فاقد قصد نتیجه است گر چه قصد فعل ایجاب و قبول را دارد ولی نظر به مصالح اقتصادی و اجتماعی، عقد مکره غیرنافذ تلقی م ی‌شود . (طرح اصلاح قانون مدنی، مواد ۷۱۷ و ۲۲۷) .



شهیدی این بحث را تحت عنوان موانع تأثیر قصد طرفین مطرح می‌کند. ایشان منظور از موانع تأثیر قصد طرفین را اموری می‌داند که پس از تحقق سبب موجد عقد؛ یعنی اراده و اجتماع شرایط تأثیر قصد، جلوی تأثیر اراده را می‌گیرند و مانع تشکیل عقد می‌شوند. بعضی از این موانع ناشی از عدم انطباق مقصود با واقع اند که عیوب قصد نامیده می‌شوند مانند اشتباه در ماهیت مورد عقد و برخی دیگر نتیجه‌ی محدود شدن حاکمیت اراده ب هوسیل هی قانون است. (شهیدی، حقوق مدنی ۱/۱۶۱/).

لیکن باید گفت آنچه ما در عیوب قصد مد نظر داریم مواردی است که قصد را محقق نمی‌سازند نه موانع تأثیر قصد.

فقها معامله غیر مختار (مکره) را غیر نافذ می‌دانند. (شهید ثانی، همان ۳/۷-۱۵۴؛ الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهره ۱۸/۷-۳۲۵؛ منیه الطالب ۱/۵-۳۶۴؛ تحریر الوسیله ۱۷۳/۲-۰۷۳). فقها عقد غیر نافذ را به عقد موقوف تعبیر می‌کنند؛ موقوف صفت انشا نیست بلکه صفت [منشأ] است؛ فلذا اثر عقد مکره موقوف به اجازه ی وی پس از زوال اکراه است. (تأثیر اراده در حقوق مدنی ۱۹۸-۹/).

در فقه عامه (الجزیری، همان)، حنابله معتقدند اکراه عقد را باطل می‌کند مگر در صورت یکه اکراه شود که مالی را حاضر کند و برای این کار، ملک خود را بفروشد (اکراه بر سبب بیع) که در این حالت، عقد صحیح است. حنفیه نظر بر این دارند که عقد مکره منعقد می‌شود لیکن در برخی اعمال حقوقی حق فسخ دارد مانند بیع و اجاره و در برخی حق فسخ ندارد مانند طلاق، عتاق، نکاح و نذر. گروهی از حنفیه نیز بیع اکراهی را فاسد می‌دانند و معتقدند مکره م بیبست پس از زوال اکراه، اجازه کند. مالکی‌ها، اکراه مانع نفوذ بیع را دو قسم بر می‌شمارند:

۱- اکراه بر نفس بیع: در این حالت بیع، غیر لازم خواهد بود.



۲- اکراه بر سبب بیع : اکراه بر چیزی که او را مجبور به انعقاد بیع می کن مد. در این حالت اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی بیع را لازم و گروهی غیر لازم م بدانند .

اکراه بر دو قسم است:

۱- اکراه بدون حق : که با آن عقد منعقد نم ی‌شود؛ چه بر تسلّم و قبض ثمن هم او را اکراه کند چه نکند؛ چون با وجود بطلان صیغه، این بیع معتبر نیست .

۲- اکراه به حق : اکراهی که از سوی حاکم صورت م یگیرد؛ معامله با این نوع اکراه، صحیح م یباشد .

در حقوق ایران، هما‌نطور که آمد، عقد با قصد محقق می شود و رضای طرفین به عقد، اثر حقوقی می بخشد؛ نظر قانون مدنی ایران نیز که قول مشهور فقهاست، بر این است که رضا شرط نفوذ عقد است نه شرط وقوع آن. (تأثیر اراده در حقوق مدنی .) ۱۹۸/شهییدی: نتیجه ی فقدان یا معیوب بودن رضا، عدم نفوذ عقد (ماده ی ۳۰۲ قانون مدنی) و قابلیت انفساخ (مواد خیرات مانند ۶۱۴ (در خیار غبن) و ۲۲۴ (در خیار عیب) ، به علت حالت انفعالی حاصل در مرحله ی سنجش و مهیا کنند هی زمینه برای پیدایش قصد می باشد. (شهییدی، حقوق مدنی ۱/۲۲۰).

لنگرودی معتقد است : ب هطور کلی نمی توان گفت که اکراه مانع تحقق رضاست؛ زیرا در عمل زیاد اتفاق می افتد که شخص مکره (در آن لحظه) امیدوار نیست که روزی حالت اکراه وی زایل شود و نوبت به صدور اجازه یا رد برسد تا او بتواند عقد را رد کند و مال خود را به چنگ آورد . ناچار برای این که تصرف او در عوض مالی که از دست می دهد، تصرف مشروعی باشد و از همه جا دستش کوتاه نباشد، در هنگام عقد (به نوعی) رضایت می دهد (تأثیر اراده در حقوق مدنی ۱۹۸/). از سوی دیگر گفته شده است که رضا در معامله اکراهی، رضای عقلانی است نه رضای طبعی؛ و باید گفت این رضای طبعی و خودجوش است که برای نفوذ و ترتیب اثر معاملات و اعمال حقوقی ضروری است. (حقوق قراردادها



در فقه امامیه ۱/۲۳۲. در حقوق فرانسه عیوب قصد را همراه با اکراه از عیوب رضا به شمار م
یاورند. بر این اساس امور مخدوش کننده ی رضا عبارتند از:

۱- اشتباه:

الف - اشتباه مانع رضا (نابود کننده ی رضا):

- اشتباه مربوط به ماهیت عقد

- اشتباه راجع به موضوع عقد

- اشتباه در علت عقد

اشتباهات مانع رضا موجب بطلان عقد می شوند .

ب - اشتباه معیوب کننده ی رضا:

- اشتباه در ماهیت مورد معامله

- اشتباه در شخصیت طرف عقد، آنجا که علت عمده است .

اشتباهات معیوب کننده ی رضا بطلان نسبی عقد را در پی دارند .

۲- تدلیس: موجب بطلان عقد است .

۳- اکراه: بطلان عقد را در پی دارد. (شهییدی، حقوق مدنی ۱/۲۲۱).

در حقوق انگلیس، امور مخدوش کننده رضا عبارتند از:

۱- اشتباه ۲- تدلیس ۳- اعمال نفوذ ناروا ۴- اکراه ۵- عدم مشروعیت

چهار مورد اول، معامله را قابل ابطال می سازند؛ حال آن که مورد آخر (عدم

مشروعیت)، بطلان معامله را در پی دارد.



نتیجه گیری

اراده، مجموع قصد انشا و رضاست. آنچه در قصد مهم است، این است که قصد، قصد انشا باشد؛ فلذا صرف قصد اخبار اگر چه مقرون به رضا باشد، کافی برای تحقق عقد نیست. ب هعلاوه بر اساس ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران، قصد انشا باید مقرون به کاشف باشد؛ بنابراین اراده در دو چهره باطنی و ظاهری نمود می یابد که با لحاظ ماده مذکور و ماده ۱۹۶ قانون مدنی در صورت تراحم این دو چهره، عقد تابع اراده واقعی (باطنی) طرفین خواهد بود؛ گرچه مقنن از لزوم حفظ نظم معاملات نیز غافل نبوده و در مواردی هم چون ماده ۴۲۲ قانون مدنی، الفاظ عقود را محمول بر معانی عرفیه می داند. رضا نیز صورت غالب یکی از سه قوه شهویه، عاقله و غضبیه است که از آن به شوق مؤکد در مراحل شکل گیری اراده تعبیر می شود؛ لذا گفته می شود در صورتی که ضرورت عقلی عملی در ذهن محرز باشد، اگر چه به آن میلی نباشد، رضا حاصل است. علیرغم این که با بررسی مراحل شکل گیری اراده و وجوه افتراق قصد و رضا درمی یابیم که قصد و رضا دو مفهوم مجزا هستند و به عنوان دو عنصر مستقل در ماده ۱۹۰ قانون مدنی ذکر شده اند؛ لیکن این قصد است که عنصر سازنده عقد می باشد و رضا تنها شرط اعتبار آن محسوب می شود. با این اوصاف، عقد در حالت فقدان قصد، باطل و در صورت فقدان رضا، غیرنافذ خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



منابع و مآخذ

۱. الانصاری، مرتضی؛ کتاب المکاسب، ج ۳؛ چ ۷، مجمع الفکر الاسلامی، قم. ۱۴۲۷.
۲. ابن الأثیر، النهایه فی غریب الحدیث، تحقیق: طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، ج ۲، الطبعة الرابعة، مؤسسه اسماعیلیان، قم. ۱۳۶۴، ۳- ابن قیم الجوزیه، اعلام الموقعین، ج ۳.
۳. ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۵، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۴. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۳۱، کتابفروشی اسلامیة، تهران. ۱۳۷۲.
۵. باز اللبانی، سلیم رستم، شر حالمله، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۶. البحرانی، یوسف، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، با تعلیقات محمد تقی ایروانی، ج ۸۱، چ ۳، انتشارات دارالضوء، ۱۴۱۳ ق.
۷. الجزیری، عبدالرحمن، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، قسم المعاملات، ج ۲، انتشارات دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران. ۱۳۴۰.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، ج ۲، الطبعة الرابعة، دارالعلم الملايين، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. حایری شاه باغ، سیدعلی، شرح قانون مدنی، ج ۱، کتابخانه ی گنج دانش، تهران. ۱۳۷۶.
۱۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق صفوان عدنان داودی.
۱۲. سبزواری شیرازی، هادی بن مهدی (ملا هادی سبزواری)، شرح اللاکی المنتظمه (شرح منظومه).
۱۳. سلیمانی، فاطمه، بررسی اراده ی انسان از دیدگاه متکلمین و فلاسفه ی اسلامی؛ مشکوه النور، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی، سال نهم، شماره ۳۰ و ۳۱.



۱۴. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، چ ۳، انتشارات مجد، تهران،
۱۵. شیدائیان، مهدی، عب دی، صادق، نکات مهم حقوق قرارداد برگرفته از سه کتاب، مؤسسه انتشارات مداین، قم، ۱۳۷۵،
۱۶. شیرازی، صدرالدین محمد (ملا صدرا)، الاسفار الاربعه، ج ۴ و ۶ و ۸.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق محمد تقی کشفی، ج ۴، مکتب ه المرتضویه، ۱۳۸۷ ق.
۱۸. العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۳، چ ۲، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۲۱ ق.
۱۹. قنبری، محمدرضا، مجموعه مقالات حقوقی، کتابخانه ی گنج دانش، تهران، ۱۳۷۲،
۲۰. قنوتی، جلیل و دیگران، حقوق قراردادها در فقه امامیه، ج ۱، انتشارات سمت، تهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی